

دفترخه راهنمای دختران جوان میشل دلون. ترجمه مهسا ابهری

۲۹۳

«فلسفه در اتاق پذیرایی خانم‌ها» اثر مارکی دوساد.
و «ترز فیلسوف» اثر مارکی دارژان.

میان «تربیت دختران» (۱۶۸۷) اثر فنلن و «مدرسه دختران یا فلسفه بانوان» (۱۶۵۵) اثر نویسنده‌ای ناشناس چه وجه تشابهی می‌توان یافت؟

همان بی‌اعتمادی نسبت به کشش‌های قلبی که نزد اسقف اعظم آینده‌کامبری تحت عنوان روان تجلی می‌یابد، در «مدرسه دختران»، به نفع روح و جسم، سوزان فاضل و دختر عمویش، فانشون، را که خواستار کسب فضیلت است به گفتگو وامی‌دارد.

او نماینده سنت عیاشی است، این سنت در قرن آینده از «ترز فیلسوف» (۱۷۴۸) اثر مارکی دارژان تا «فلسفه در اتاق پذیرایی خانم‌ها» (۱۷۹۵) اثر مارکی دوساد گسترش می‌یابد.

«ای مردم بی‌عقل! آیا می‌خواهید این امیال را ویران کرده و آنها را محدود کنید؟»

هنگامی که ترز به طرز غافلگیرکننده‌ای به جلسات عرفانی پدر ژیرار و کادیر، همان توبه‌کار بسیارزیبایش، پی‌می‌برد و یازمانیکه

به خاطرات روسپیگری یوا - لوریه گوش فرامی دهد، این موضوع همانند گواهی بر نیروی امیال است. او با پیگیری مذاکرات فلسفی کشیشی عالم و معشوقه اش، خود را در خصوص لزوم تسامح در دنیایی که توسط ضرورت های طبیعی اداره می گردد، قانع می کند. امیال گوناگونند و هر یک سهمی در خوشبختی دارند که همانا در وهله اول برابر است با شکفتگی جنسی.

به دلیل وجود تناوب میان مباحثات انتزاعی و مشغولیات جنبه های جسمانی تر در «ترز فیلسوف»، این کتاب یکی از معدود آثاری است که ساد به عنوان الگو از آن یاد می کند. «فلسفه در اتاق پذیرایی خانم ها» عبارت است از روند تربیت اوژنی جوان، دختر معصومی که



سکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه جامع علوم انسانی



بسیار وعده و وعید می داد. آموزش آناتومی، فعالیت های کاربردی پیشرو و دوره بزرگ آموزش اخلاق به شکل هجویه، «مردمان فرانسه، اگر می خواهید جمهوری خواه باشید، باز هم تلاش کنید»، به سرعت از او عیاشی ساختند که لایق آموزگاراننش است. پوشش ها، شرف و پیش داوری ها به وجود می آیند.

۲۹۵ پذیرش دختر جوان زمانی به اوج خود می رسد که مادر مورد اهانت قرار می گیرد، این جریان برای فنلن یادآور تمامی ممنوعیت ها و کل روند تربیت است. او کودکی ساخته شده از تاریخ اندیشی و محرومیت را انکار می نماید و برای این کار از شیوه ای استفاده می کند که فرانسه انقلابی با کمک آن می تواند از گذشته مسیحی و استبدادی خود جدا شود. از ترز تا اوژنی، آموزش خصوصی جای خود را به آزادی ملی داده است.

ساد دورنمای قومی از همشهریان عیاش و گستاخ را همانند پیرانتری میان نخبه گرایی بی رحم «صد و بیست روز» سدوم و همان نخبه گرایی موجود در «تاریخ ژولیت» ارائه می کند.

بدون شک سال ۱۷۸۹ یا بهتر بگوییم ۱۹۳ از آن «فلسفه در اتاق پذیرایی خانم ها» است و سال ۱۸۴۸ متعلق به «تربیت احساسات».

دموکراسی مستقیم و رضایت و خوشی غیر قابل انتظار، یاد واقع همان خیال واهی که در «اتاق پذیرایی خانم ها» به چشم می خورد، با تمامی دوگرایی ها، نوستالژی ها، افسردگی ها، اعم از کلاسیک یا رمانتیک، متضاد است. «بیابید سر میز برویم و از آنجا چهارتایی به یک تخت»، سرشار از «آنچه که احمق ها جرم می خوانندش».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

